مصاحبه با آقای حمید تهرانفر (مدیر کل نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی ج. ا. ا.)

نظارت بر بازار غیرمتشکل پولی

(ساماندهی مؤسسات مالی غیربانکی)

مقدمه

اصولاً سابقه مؤسسات مالی غیربانکی (قرض‌الحسنه‌ها به عنوان اولین مؤسسات غیربانکی) به سال‌های قبل از انقلاب برمی‌گردد. به نظر می‌رسد در فضای پولی و مالی، خلائی احساس شده و یا نیازهایی وجود داشته است که شبکه بانکی نتوانسته است به آن پاسخ دهد، و در نتیجه این‌گونه مؤسسات رشد و گسترش یافته‌اند. سؤال این است که چرا علی‌رغم قدمت قوانین ناظر بر حوزه‌های پولی و مالی، مؤسساتی مثل قرض‌الحسنه‌ها و تعاونی‌های اعتباری، تا به امروز خارج از دایره نظارت قرار گرفته‌اند. به هر ترتیب، خلأ قانونی ظاهراً مسئله اصلی نیست.

گسترش روزافزون فعالیت مؤسسات مالی فاقد مجوز به مرزهای هشداردهنده‌ای نزدیک شده است و این در حالی است که هر بار، بانک مرکزی جهت ساماندهی این مؤسسات اقدام می‌نماید، علی‌رغم وجود قوانین و مقررات، با موانع جدی در بدنه اجرایی کشور مواجه می‌شود.

تصویب قانون بازار غیرمتشکل پولی از یک سو و عزم جدی بانک مرکزی جهت ساماندهی این بازار از سوی دیگر، و نیز مخاطره‌آمیز شدن فعالیت پاره‌ای از این مؤسسات ما را بر آن داشت تا با آقای تهرانفر که مسئولیت مدیریت کل نظارت بر بانک‌ها را در بانک مرکزی به عهده دارند مصاحبه‌ای ترتیب دهیم. آنچه که در ادامه ملاحظه می‌نمایید متن گفتگوی دکتر علی ارشدی (عضو هیئت علمی پژوهشکده پولی و بانکی) با ایشان می‌باشد.

آقای تهرانفر: یکی از مشکلات اساسی و ریشه‌دار سیستم بانکی ما، وجود مؤسسات غیربانکی (قرض‌الحسنه) است که شاید توجه کافی به آنها نشده است؛ ولی واقعیت این است که ابعادشان قابل تأمل است و می‌توانند به راحتی بسیاری از سیاست‌های پولی را مخدوش کنند. لذا پرداختن به این مهم، در این روزها بحثی مهم و حیاتی است. ما وارد یک مسیری شده‌ایم و تا انتها ادامه می‌دهیم و امیدوار هستیم بانک مرکزی با حمایت‌هایی

که می‌شود، در این مسیر جواب بگیرد.

همان طور که استحضار دارید بر اساس قانون پولی و بانکی کشور، وظیفه نظارت بر بانک‌ها به بانک مرکزی داده شده است. از طرف دیگر در همین قانون، مؤسسات اعتباری غیر بانکی نیز تعریف شده‌اند. به عبارت دیگر، در این قانون گفته شده است که مؤسسات اعتباری غیربانکی به تشخیص بانک مرکزی، واسطه وجوه هستند و عملیاتشان در حجم اعتباری کل کشور مؤثر است. بنابراین، همین پارامتر واسطه وجوه بودن ایجاب می‌کرد و ایجاب می‌کند که مسئولان ارشد کشوری، این اختیار را به بانک مرکزی بدهند که با کلیه واسطه‌گران وجوه گفتگو کند و از طرفی همه آنها تحت نظارت و مجوز بانک مرکزی، فعالیت کنند.

صندوق‌های قرض‌الحسنه از سال‌های بسیار دور (شاید قبل از سال ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹) در جامعه حضور داشتند، منتها قبل از این تاریخ هیچ دقت نظری بر صندوق‌های قرض‌الحسنه نبود و به شکل‌های خانوادگی، محلی و یا مسجدی و ثبت نشده فعالیت می‌کردند. در آنجا نیز به دلیل اینکه فعالیت آنها یک فعالیت عام‌المنفعه و غیرانتفاعی دیده شده بود، در واقع نظارت بر آنها با اجازه شهربانی انجام می‌شد. این وضعیت تا زمان انقلاب اسلامی به همین شکل ادامه داشت. بعد از زمان انقلاب اسلامی، به خاطر خلائی که در زمینه تأسیس بانک جدید وجود داشت (استحضار دارید که بعد از انقلاب، همه بانک‌ها، دولتی و ملی شد و تا چندین سال متمادی اصلاً اجازه تأسیس بانک جدید داده نمی‌شد)، فقط بانک توسعه صادرات با تمهیداتی ایجاد شد و به غیر از این بانک، بانک جدیدی به وجود نیامد. لذا، فضا برای گسترش صندوق‌های قرض‌الحسنه ایجاد گردید. از جمله مثال‌های دیگر می‌توان به شرکت‌های مضاربه‌ای اشاره نمود که به دلیل خلأ مذکور ایجاد شدند و یک عده سپرده‌گذار در این شرکت‌ها سپرده‌گذاری نمودند و چون نظارتی بر آنها نبود، صدمات زیادی به وجود آمد. حتی در صندوق‌های قرض‌الحسنه یا به اسم قرض‌الحسنه، اتفاقاتی افتاد و آن صندوق‌های قرض‌الحسنه سنتی که به امر پسندیده قرض‌الحسنه می‌پرداختند، بعدها دستخوش یک سری اقداماتی شدند که باعث شد همان شرکت‌های مضاربه‌ای را به نوعی تحت عنوان صندوق‌های قرض‌الحسنه یا امور قرض‌الحسنه ایجاد کردند. همچنین در این مورد که مقام ناظرشان بانک مرکزی یا نیروهای انتظامی باشد، می‌توانیم ببینیم که این تناوب وجود داشته است.

در مورد صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای که بزرگتر هستند و در چند شعبه و در چند شهر کار می‌کنند، مهلت این صندوق‌ها تمام شده است و باید هوشیار باشندو فعالیت‌شان را تعدیل کنند

در سال ۱۳۶۲ برای اولین بار مقررات و مصوبه‌ای از هیئت دولت صادر شد که این مصوبه، بانک مرکزی را به عنوان متولی صدور مجوز به صندوق‌های قرض‌الحسنه معرفی کرد، در حالی که بانک مرکزی در تدارک نظارت بوده، مجدداً مصوبه دیگری صادر شد که در آن، نیروهای انتظامی یا وزارت کشور متولی صدور مجوز معرفی شدند و دیگر لازم نبود بانک مرکزی در کار آنها دخالت نماید. از سوی دیگر مجدداً در سال ۱۳۶۷ هیئت وزیران، مصوبه می‌دهد و بانک مرکزی را متولی کردند و باز هم در سال ۱۳۷۲ این مصوبه برگشت. در نهایت در سال ۱۳۸۳ مجلس محترم صراحتاً در قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی، بانک مرکزی را موظف نمود که بر کار صندوق‌های قرض‌الحسنه نظارت نماید.

بر این اساس، اشکالی که در این مسیر وجود دارد، تردیدی است که دولت در خصوص واگذاری نظارت به بانک مرکزی دارد و در نتیجه تعدادی از صندوق‌های قرض‌الحسنه از مجرای قانونی کار خودشان

خارج شدند و یا در این مدت صندوق‌هایی شکل گرفتند که تحت هیچ شرایطی نمی‌توان اسم آنها را صندوق قرض‌الحسنه گذاشت.

دکتر ارشدی: مسئله اصلی همین موضوع است. سال ۱۳۶۳ هیئت وزیران آیین‌نامه‌ای را درخصوص این مؤسسات تصویب کرده، در سال ۱۳۶۷ نیز، شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی اساسنامه‌ای را تهیه می‌کنند، مجدداً در سال ۱۳۶۹ شورای پول و اعتبار یک آیین‌نامه ۱۸ ماده‌ای تهیه می‌نماید. در سال ۱۳۷۰ وزارت کشور پیشنهاد لغو این آیین‌نامه را مبنی بر اینکه نظارت به عهده بانک مرکزی نباشد، می دهد. در دوره (۱۳۷۰ـ۱۳۸۰) قانون مسکوت می‌ماند و در نهایت در ماده ۹۲ برنامه سوم و در جلسه ۱۱۰۰ شورای پول و اعتبار برنامه نظارت تدوین شده است.

ظاهراً در این مؤسسات مسائلی وجود دارد که آنها حاضر نیستند تحت پوشش بانک مرکزی قرار گیرند و این در حالی است که در بدنه اجرایی کشور نیز از لابی قدرتمندی برخوردارند.

آقای تهرانفر: من مشکل را خدمتتان عرض می‌کنم. آنچه که از نظر ما و از نظر مقامات مشکل محسوب نمی‌شود و برای آنها مشکل است، تحت نظارت درآمدن و رعایت کردن مقررات است. به هر حال، اعمال نظارت، محدودیت‌هایی در کار این مؤسسات ایجاد می‌کند. بر همین اساس، اصلاً مایل نیستند آن محدودیت‌ها را بپذیرند، شاید طبیعی هم باشد. یک اجبار قانونی باید پشت آنها باشد، در غیر این صورت مراجعه کردن برای اینکه خودشان را محدود کنند، غیرمنطقی است.

بانک‌ها علاوه بر اینکه بر اساس مقررات متعدد، محدود می‌شوند، یک مبلغی را، که رقم آن هم زیاد می باشد و عملیات مالی بانک را محدود می‌کند، به صورت قانونی به عنوان سپرده قانونی به بانک مرکزی می‌سپارند. چطور یک صندوق قرض‌الحسنه ـ که البته اسمش صندوق است ولی به اندازه یکی از بانک‌های ما است ـ بپذیرد که مثلاً در اندازه بانک سپه سپرده قانونی نزد بانک مرکزی بگذارد. طبیعی است که با انواع و اقسام تمهیدات سعی می‌کنند که این نظارت را نپذیرند و به نوعی بر آن خدشه وارد کنند و بیرون از این محدودیت‌ها باشند. نرخ سود، مسئله بعدی است. اگر این مؤسسات تحت نظارت باشند، باید مثل بانک‌ها نرخ سود را رعایت کنند. خیلی از قراردادهای آنها نیز مشکل دارد. ولی به هر حال مایل نیستند وارد شوند. البته وقتی هیچ پارامتری را رعایت نمی‌کنند و هیچ مقرراتی هم ندارند و فضای بانکی ما هم، در دوره‌ای به گونه‌ای بوده است که این مؤسسات توانسته‌اند در فضای بی‌مقرراتی رشد کرده و بزرگ شوند، بر این اساس برخورد با آنها تمهیداتی را می‌طلبد و نمی‌توان گستاخانه یا جسورانه با آنها برخورد کرد. تعداد زیادی از سپرده‌گذاران هستند که منافع آنها به خطر می‌افتد. فکر می‌کنم این پاسخ سؤال شما را داده باشد.

دکتر ارشدی: جنابعالی اشاره کردید به اینکه اینها قاعده بازی مرسوم بانک مرکزی را نمی‌پذیرند و می‌گویند که ما قاعده خاص خودمان را داریم. از یک طرف، در بازار، اگر از سمت تقاضا نگاه کنیم، مردم یا متقاضیان تسهیلات خرد در بازار مالی و نیازهایی را دارند که سیستم بانکی نمی‌تواند همه آنها را پاسخ بدهد. طبیعتاً این تقاضا وجود دارد و افراد در این صندوق‌ها حساب باز می‌کنند و تسهیلات می‌گیرند. بنابراین شرایط برای فعالیت این صندوق‌ها فراهم است.

بر این اساس این سؤال مطرح است که بالاخره چه کسی متولی این بازار مالی است و چه کسی باید حرف آخر را بزند؟ آیا این مشکل ساختاری است و ریشه‌اش در خارج از بانک مرکزی است؛ یعنی واقعاً بانک مرکزی علی‌رغم اینکه می‌داند دقیقاً مسئله چیست، مقصر نیست؟ راه‌حل و پیشنهاد هم دارد، و در واقع همه چیز فراهم است ولی اجرایی نمی‌شود. تجربه ۳۰ سال گذشته نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود آیین‌نامه‌های

مختلف، هیچ وقت اعمال نظارت بر مؤسسات قرض‌الحسنه اجرایی نشده است. می‌خواهم بدانم شما فکر می‌کنید برای حل این مشکل، حتی اگر ساختاری است، چه باید کرد؟

آقای تهرانفر: هیچ کس، چه در بانک مرکزی چه در نهادهای دیگر، حتی خود جنابعالی، منکر منافعی که صندوق‌های قرض‌الحسنه، برای کشور دارند نیست. من اعتقاد راسخ دارم که صندوق‌های قرض‌الحسنه، در محلات و در مساجد واقعاً کمک زیادی به مردم می‌کنند. از طرفی یکی از ویژگی‌های آنها این است که اهالی را می‌شناسند و به خصوصیات فردی افراد واقفند و مدیران آنها از همان محل یا اداره یا محیط کارگری هستند. بنابراین تأمین مالی خردی که از طریق این صندوق‌های قرض‌الحسنه صورت می‌گیرد، برای نیازهای مصرفی کوچک بسیار مثمر ثمر بوده است و هیچ کس این را انکار نمی‌کند. ما هم به عنوان مقام ناظر، خواسته‌ایم به گونه‌ای این محیط را فراهم کنیم که این صندوق‌ها بیشتر بتوانند نفس بکشند و بالا بیایند و به اینها کمک شود.

در قسمت دیگری که شما فرمودید ما برای اینکه به این صندوق‌ها کمک کنیم و بتوانیم نکاتی که مورد نظرمان است در جهت کمک به این صندوق‌ها به مرحله اجرا بگذاریم؛ با یک عده‌ای روبرو بوده‌ایم که همیشه در مورد نظارت بانک مرکزی غلو کردند و اظهار داشته‌اند که اگر بانک مرکزی به کار صندوق‌ها نظارت کند، صدمات زیادی به آنها وارد می‌شود و خیلی از آنها تعطیل می‌شوند. این صندوق‌ها مایل به پذیرش محدودیت‌های قانونی نبودند و از این فرصت‌ها استفاده کرده و در قالب تشکل‌هایی در مقابل اینکه تحت نظارت قرار گیرند مقاومت می‌کردند. به هر ترتیب، باید این مقاومت با گفتگو و حمایت مراجع دولتی قانونگذار، آرام آرام حذف می‌شد که خوشبختانه این کار تا حد زیادی انجام شده است. این نکته نیز روشن است که هدف ما، بیشتر، برخورد با سوءاستفاده از عنوان قرض‌الحسنه است؛ ولی در این مسیر هیاهوها و جنجال‌های هدفمندی هم به وجود آمد که ورود نظارت را در عمل با مشکل مواجه کرد. من خودم در جلسات متعددی، در زمان مرحوم نوربخش و دیگر روسای کل بانک مرکزی حضورداشتم و دیدم که چطور در مقابل اعمال این نظارت صف‌آرایی می‌شود.

تکیه اصلی نظارت بر بحث سرمایه است. سرمایه باید در داخل بانک نهادینه بماند، اجازه خروج هم نداشته باشد؛ که اگر برای آن بانک اتفاقی افتاد، سهامداران آخرین نفراتی باشند که مطالباتشان پرداخت می‌شود

برای نمونه در همین اواخر، بعد از قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی، قرار شد که ما چتر نظارت را آنقدر باز کنیم که همه اینها را تحت نظارت درآوریم. از طرفی یکی از موانع، همین صندوق‌های قرض‌الحسنه بودند که در قالب تشکل‌های خودشان، مراجعاتی به مراجع دولتی، سیاسی و مجلس می‌کردند. در واقع خودشان را به نوعی از نظارت بانک مرکزی دور می‌کردند و متأسفانه در برخی از موارد، مورد حمایت قرار گرفتند. آخرین آیین‌نامه‌ای که هیئت دولت برای تنظیم بازار غیرمتشکل پولی تصویب کرده، آیین‌نامه صندوق‌های قرض‌الحسنه است، آن هم به خاطر نفوذی که در آنجا انجام شد. برای تعاونی‌های اعتبار و لیزینگ‌ها، خیلی زود (تقریباً یک سال بعد از تصویب قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی) همه دستورالعمل‌ها برای تصویب در اختیار هیئت دولت بود؛ منتها بحث صندوق‌های قرض‌الحسنه جدا شد و مابقی تصویب شد و در دستورکار قرار گرفت و این یکی تا یک‌سال قبل به همین صورت باقی ماند. این امر نشان می‌دهد که یک انگیزه‌ای پشت آن هست و به همین دلیل مقامات بانک مرکزی بارها گفتند که اصلاً هدف ما این نیست که صندوق‌های قرض‌الحسنه را از صحنه اقتصاد حذف کنیم؛ ولی در جریان این هیاهوها آن صندوق‌هایی که تعمد داشتند و به اسم قرض‌الحسنه

کارهای دیگری می‌کردند توانستند به حیات خود ادامه دهند و پربارتر شوند؛ در فضای بی‌قانونی و بی‌مقرراتی بیشتر جلو بروند. بعضی‌ها هم برای خودشان مشکل ایجاد کردند؛ چون نظارتی نبود به مسیرهایی رفتند که برای خودشان مشکل ایجاد نمود.

دکتر ارشدی: این بحث مطرح می‌شود که چه سهمی از بازار، متعلق به بخش غیربانکی فاقد مجوز است. برآورد جنابعالی از ابعاد بازار غیرمجازها چگونه است؟

آقای تهرانفر: تخمین آن کار دشواری است، زیرا این مؤسسات تحت نظارت نیستند و آمارهایشان در متغیرهای کلان پولی کشور، محاسبه نمی‌شود. با این وجود، ما تعدادی از بزرگترین آنها را با هم جمع‌بندی کردیم و دریافتیم که رقمی حدود ۸ درصد نقدینگی در اختیار این مؤسسات است. البته واقعاً اندازه آنها رشد کرده است و اگر بقیه را هم اضافه کنیم، خوشبینانه این است که بالاخره ۱۰ درصد بازار در دست این مؤسسات غیرمجاز است. بعضی از آنها واقعاً بزرگ هستند. یکی از این مؤسسات از طریق یک شرکت سرمایه‌گذاری در سال گذشته در بورس نقش آفرینی کرد.

دکتر ارشدی: با توضیحی که جنابعالی دادید، فکر می‌کنم هر ناظر بیرونی متوجه ابعاد بحرانی قضیه می‌شود. از همین رو است که بانک مرکزی عزم خود را برای ساماندهی این مؤسسات جزم کرده است. بر این اساس به ما بگویید که اقدامات بانک مرکزی چه روندی را طی کرده است؟ به کجا رسیده است و آخرین تحولاتی که صورت گرفته است چیست؟

آقای تهرانفر: استحضار دارید که در سال ۱۳۸۸ برای دومین بار، تنظیم بازار را به پایان آذر ماه موکول کردیم. از آنجا که سال گذشته نتوانستیم با نهادهای مؤثر هماهنگی‌های لازم را در این زمینه انجام بدهیم این مهلت را یک سال تمدید کردیم (تا پایان آذر ماه امسال). خوشبختانه در سال جاری توانستیم با نهادهای مختلفی که می‌توانند در این زمینه مؤثر باشند هماهنگی کنیم (دادستانی قوه قضاییه و نیروهای انتظامی)، بنابراین در پایان آذر ماه، کار به مرحله جدی وارد شد. البته این را هم تأکید کنم که در بعضی از موارد، بعضی از مسئولان، صحبت‌هایی در مطبوعات کرده بودند مبنی بر اینکه بانک مرکزی تصمیم دارد که این مدت را تمدید کند. واقعیت این است که این‌طور نیست. زمان تمام شده است و راه بازگشت وجود ندارد و هماهنگی در تمام ابعاد صورت گرفته است و واقعاً ما مسئولین بانک مرکزی و ریاست کل محترم بانک، به دفعات از این مؤسسات خواهش کردیم که به بانک مرکزی مراجعه کنند و به کار خودشان شکل قانونی بدهند و این‌طور بدون قانون و مقررات فعالیت نکنند. ما مجبور هستیم که در برخی از موارد، برخوردهای قانونی انجام بدهیم و این موضوع فقط دستور کار ما به تنهایی نیست، بلکه مراجع دیگر هم، مستقلاً می‌توانند مجوز این مؤسسات را درخواست نموده و اگر مجوز نداشتند با آنها برخورد کنند. لذا من از این فرصت استفاده می‌کنم و از مؤسساتی که هنوز مراجعه نکرده و هنوز موضوع را جدی نگرفته‌اند درخواست می‌کنم که مراجعه کنند تا ما کاری نکنیم که صدمه‌ای به کسی وارد شود. ما با تشکل‌های مهم صندوق‌های قرض‌الحسنه صحبت کردیم

صندوق‌های قرض‌الحسنه قدیمی و سنتی، که نیت آنها خیر بوده است و به قرض‌الحسنه فکر کردند؛ از اتفاقی که در حال وقوع است فوق‌العاده راضی هستند. انتقادی که به ما وارد بوده، این است که وقتی از عنوان قرض‌الحسنه سوء استفاده می‌شود چرا کاری نمی‌کنیم

و به توافق‌هایی رسیده و قرارهایی گذاشته‌ایم. صندوق‌های خانوادگی، صندوق‌های اداری، صنفی و مسجدی، که به صورت قرض‌الحسنه کار می‌کنند، به همان ترتیب ادامه فعالیت می‌دهند و فعلاً لازم نیست که مجوز دریافت کنند.

در مورد صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای که بزرگتر هستند و در چند شعبه و در چند شهر کار می‌کنند، مهلت این صندوق‌ها تمام شده است و باید هوشیار باشند و فعالیت‌شان را تعدیل کنند. اگر بتوانند به قالب قرض‌الحسنه برگردند که خوب است و ما استقبال می‌کنیم؛ اما اگر نشد (در خیلی از موارد نمی‌شود) باید یک فکر اساسی بکنند.

به هر حال ما پیش‌بینی کردیم که با تجمیع این صندوق‌ها بتوانیم یک مؤسسه اعتباری یا یک بانک ایجاد کنیم، مشروط بر اینکه بنیه مالی آنها این اجازه را بدهد. در مورد تعاونی‌های اعتبار هم همین‌طور است. البته قسمت اعظم آنها، بر مبنای قانون تعاون ایجاد شده‌اند و آنها هم رعایت می‌کنند و وزارت تعاون به آنها مجوز داده است و خطری هم برای اقتصاد ندارند. خیلی از آنها در داخل وزارتخانه هستند و کارمندان، کارگران و اصناف آن را ایجاد کرده‌اند. اما تعاونی‌های اعتبار آزاد، از نام تعاونی اعتبار سوءاستفاده نموده‌اند و اینها در قالب قانونی که برای بخش تعاون طراحی شده، نیستند. فعالیتشان نیز در آن زمینه نیست و کارشان بسیار خطرناک است. دلیلش این است که همان طور که استحضار دارید، در فعالیت‌های پولی و بانکی همه چیز به سرمایه ختم می‌شود. می‌گوییم این بانک از بانک دیگر بزرگتر است، به دلیل اینکه سرمایه‌اش بیشتر است. بزرگ‌شدن بانک از محل سپرده‌ها، هنر نیست، بلکه بزرگ شدن بانک از محل سرمایه مهم است. نه تنها در ایران، بلکه در کشورهای دیگر نیز، که مقامات ناظر بر کار بانک‌ها نظارت می‌کنند، تکیه اصلی نظارت بر بحث سرمایه است. سرمایه باید در داخل بانک نهادینه بماند، اجازه خروج هم نداشته باشد؛ که اگر برای آن بانک اتفاقی افتاد، سهامداران آخرین نفراتی باشند که مطالباتشان پرداخت می‌شود. اول سپرده‌گذاران، دوم بستانکاران و در آخر سهامداران. متأسفانه در تعاونی‌های اعتبار آزاد (از آنجا که قالب آنها تعاونی است؛ با وجود اینکه کارشان کار بانکی است) این خطر به شدت احساس می‌شود. در یک تعاونی اعتبار آزاد، کافی است که بر اساس قانون تعاون، سهامداران و اعضا به هم اطلاع بدهند و در یک فرصت محدودی، که در اساسنامه از قبل پیش‌بینی شده، همه سرمایه‌هایشان را بگیرند و از مؤسسه بروند.

بر اساس قانون تعاون، شرکت‌های تعاونی دارای آزادی عمل هستند؛ یعنی سرمایه اینها می‌تواند باز بشود و می‌تواند کوچک بشود. با ورود اعضای جدید، سرمایه به طور مداوم بزرگ می‌شود و تأمین مالی تعاونی، از محل سرمایه بیشتر می‌شود و با خروج اعضا این سرمایه کم می‌شود و این خروج، این قدر می‌تواند زیاد شود که سرمایه به حد قلیل و یا حتی صفر برسد. برای مثال، بانک یا مؤسسه‌ای را در نظر بگیرید که مقدار زیادی سپرده جمع‌آوری کرده فقط کافی است سهامداران که هوشیار هستند یا اعضا، به دلیل اینکه اطلاعات بیشتری از سپرده‌گذاران دارند، سریع به آن مؤسسه مراجعه کنند و آنچه را که به عنوان سرمایه آورده‌اند خارج کنند. اگر این اتفاق بیفتد، با بانک یا مؤسسه اعتباری مواجه هستیم که سرمایه ندارد، و فوق‌العاده خطرناک است؛ چون نه سپرده قانونی دارد و نه سرمایه آنها، سرمایه ماندنی است. متأسفانه در بعضی موارد، ارقام سپرده‌ها فوق‌العاده زیاد است. من دیده‌ام که یک تعاونی اعتبار آزاد، که خیلی هم تبلیغات کرده، حدود ۶۰ میلیون تومان سرمایه دارد و از طرف دیگر ۶۰۰ میلیارد تومان سپرده مردم را جمع‌آوری کرده است.

دکتر ارشدی: آقای تهرانفر دلیل این مسئله چه چیزی است؟ چرا مردم در چنین مؤسساتی سپرده‌گذاری می‌کنند؟ آیا ضعف اطلاع‌رسانی بانک مرکزی است؟ آیا مردم توقعاتی دارند که این مؤسسات، آنها را تأمین

می‌کنند. فکر نمی‌کنم خدمات خاصی را ارائه بدهند که بانک‌ها نتوانند ارائه بدهند. پس چرا چنین حجم سپرده‌ای در چنین مؤسسه‌ای، تا این حد ضعیف، شکل گرفته است به وجود آمده است؟ دلیل آن چیست؟

آقای تهرانفر: چند دلیل وجود دارد. یک دلیل این است که آنها تحت نظارت نیستند. یکی از این تعاونی‌های اعتبار آزاد، قریب به ۵۰ درصد کل دارایی‌هایش صرف اموال غیرمنقول شده است و در یک زمانی ارزش این دارایی‌ها چند برابر شده است. ما به بانک‌ها اجازه این کار را نمی‌دهیم. ما به بانک‌ها می‌گوییم شما می‌توانید، حداکثر ۳۰ درصد سرمایه را اموال غیرمنقول بخرید. مثلاً بانک صادرات اجازه ندارد ۵۰ درصد کل سپرده را اموال غیرمنقول بخرد. خریدن اموال غیرمنقول از محل سپرده، یک علامت منفی است. منتهی خیلی از این تعاونی‌ها، چون تحت نظارت مرجع خاصی نیستند، از این کارها کردند (مثل واردات برنج، تجارت، خرید اموال غیرمنقول، دادن وام یا تسهیلات با نرخ‌های خیلی بالا به خیلی از سازمان‌ها و افراد)، و از این رو توانسته‌اند برای خود جذابیتی ایجاد نموده سود بیشتری به سپرده‌ها بدهند.

بنابراین سپرده‌گذاری در چنین مؤسساتی برای مردم جذاب است با اینکه ریسک آن بالا است. مردم ما توجه زیادی به ریسک نمی‌کنند. حدود یک سال پیش، آماری منتشر شد که شرکت گلدکوئست در جهان، حدود ۱/۸۰۰/۰۰۰ نفر عضو دارد که از این تعداد ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر در ایران فعال هستند. به عبارت دیگر، این آمار بیان می‌کند که مردم ما به اینکه به چه کسی یا به کجا پول بدهند، توجهی نمی‌کنند. در اهواز، فردی اعلام کرده بود که هر کس پول خود را پیش من بگذارد، بعد از یک ماه، ۴ برابر به او وام می‌دهم و پول خودش را هم پس می‌دهم. دوستانی که آنجا رفته بودند، نه فقط از بانک مرکزی بلکه از مراجع دیگر هم، این را تأیید می‌کردند، که در ورودی خانه این آقا صف بود و هر کس یک کیسه پول دستش بود که معلوم نیست به چه کسی می‌خواهد بدهد و توجهی به این مسئله نمی‌کردند که برای مثال ممکن است این شخص حقیقی فوت کند و اصلاً به اینکه این یک شخص حقیقی است یا حقوقی توجهی نمی‌کردند. بنابراین مردم ما در این زمینه‌ها ریسک‌پذیر هستند و دقت نظر کم است. البته واقعیتی که نمی‌توان کتمان کرد این است که مقررات ناظر بر بانک‌ها و ضوابطی که خود بانک‌ها برای خودشان ایجاد کردند خیلی در هم تنیده است. بعضی اوقات ممکن است یک مشتری بر اساس نیاز واقعی به بانک مراجعه کند و بانک نتواند به خاطر پیچیدگی‌هایی که دارد، نیاز او را در زمانی که لازم است، تأمین کند؛ ولی تعاونی اعتبار سریع این نیاز را تأمین می کند. این اشکال به بانک‌های ما وارد است.

از بزرگترین اهداف این نظارت، حفظ ثبات و سلامت در بازار پولی و مالی است. به عبارت دیگر، نظم‌دهی به بازاری که تمام بازیگرانش در یک شرایط یکسان با هم بازی می‌کنند و از یک زمینه کاری یکسان برخوردار می‌شوند، آن هم به عنوان یک اصل نظارتی است؛

دکتر ارشدی: آقای تهرانفر شما اشاره کردید که توافقاتی را با سایر طرف‌های درگیر در این قضیه (یا ذی‌نفع‌ها) انجام داده‌اید. یکی از این طرف‌ها، سازمان اقتصاد اسلامی است که چیزی حدود ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ صندوق قرض‌الحسنه را تحت پوشش دارد. می‌خواهم تصریح بفرمایید که آیا مفاد این توافقات، واقعاً برای هر دو طرف روشن است؟ چون در مصاحبه‌هایی که وجود دارد به نظر می‌رسد توافق خاصی صورت نگرفته است. آنچه که اظهار می‌شود محل اختلاف است. خواهش می‌کنم بفرمایید که این توافقات به چه مواردی اشاره دارند؟

آقای تهرانفر: یکی از مواردی که سازمان اقتصاد اسلامی مطرح می‌کرد، این است که قسمت‌هایی از

مقرراتی که توسط شورا نوشته شده و به تصویب رسیده، با فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه سنتی تطبیق ندارد. مثلاً صندوقی که زمانی در یک مسجد، مثلاً با ۵ میلیون تومان پول در سال ۱۳۶۰ ایجاد شده و از همه نظر قرض‌الحسنه است؛ بر اساس قوانین جدید باید مبلغ فوق را به ۵۰ میلیون تومان برساند؛ اما کسی نیست که این مبلغ را برای این صندوق‌ها فراهم نماید خود این صندوق‌ها نیز، به دلیل اینکه دارای فعالیت سودآوری نمی‌باشند قادر به تأمین این مبلغ نیستند و نمی‌توان کسی را مجبور کرد که این پول را بدهد. لذا با سازمان اقتصاد اسلامی توافق کردیم که صندوق‌های تحت پوشش سازمان را تا اطلاع ثانوی از این ضابطه مستثنی کنیم. در موردی دیگر، بر اساس مقررات خودمان، برای مدیرعامل صندوق قرض‌الحسنه، مدرک لیسانس در نظر گرفتیم؛ ولی از آنجا که ساختار این صندوق‌ها قدیمی هستند امکان‌پذیر نیست. اینها مجموعه توافقاتی بود که انجام دادیم و البته محدود به صندوق‌هایی می‌شود که تا ۱۳۸۸/۷/۱۵ تحت پوشش سازمان بوده‌اند.

دکتر ارشدی: اینکه سازمان اقتصاد اسلامی خواسته است بانک مرکزی از ما اطلاعات بخواهد و نظارت با واسطه ما صورت بگیرد. یعنی ما خودمان بر مؤسسات نظارت می‌کنیم و بانک مرکزی به واسطه ما اطلاعات را بخواهد و نظارت کند، درست است؟

آقای تهرانفر: وظیفه نظارتی بانک مرکزی قابل تفویض نیست و ما باید خودمان نظارت کنیم. ولی با سازمان اقتصاد اسلامی توافق کردیم که اطلاعات صندوق‌های قرض‌الحسنه را در اختیار ما بگذارند و این نافی مراجعه ما نیست. ما با سازمان اقتصاد اسلامی تعامل داریم و مراجعه هم می‌کنیم. به صندوق‌ها، جداگانه نیز مراجعه می‌کنیم و بر کارشان نظارت می‌کنیم و پاسخگو هم هستیم؛ به دلیل اینکه نمی‌شود نظارت بانک مرکزی را، تفویض کرد و سازمان هم این موضوع را پذیرفته است. لازم به ذکر است چون این صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای که با سازمان کار می‌کنند، اکثراً سنتی هستند، مشکل حادی برای کشور ندارند. اما اگر احساس شود در این صندوق‌های تحت پوشش مشکلی هست، ما مستقل وارد می‌شویم و اگر لازم باشد برخوردی با آنها صورت بگیرد می‌گیرد. مراجعه نکردن در توافقات ما نبوده است.

دکتر ارشدی: ابعاد نظارتی که شما تدوین کردید، می‌تواند برای یک سری از صندوق‌ها توجیه نداشته و برای بعضی دیگر توجیه داشته باشد؛ یعنی باید آن محدودیتی که شما وضع کرده‌اید برای آن قرض‌الحسنه اجرا شود. شما این صندوق‌ها را چگونه و طی چه فرآیندی تفکیک کردید؟ اینکه چه صندوقی باید افزایش سرمایه (تا ۵۰ میلیون) بدهد و چه صندوقی لازم نیست سرمایه‌اش را تا این مبلغ افزایش دهد؟ آیا اینها را تدوین کرده‌اید و یا در فرآیندی قرار داده‌اید که توسط بانک مرکزی اعمال شود؟ به طور کلی شیوه کار به چه شکل خواهد بود؟

آقای تهرانفر: ما برای کنترل این بازار سرکش، به هر حال ناگزیر هستیم که یک حرکت سریع در بازار داشته باشیم. در مورد صندوق‌های قرض‌الحسنه، قطعاً مصوبه شورای پول و اعتبار، که بالاترین مرجع سیاستگذاری پولی است، باید رعایت شود. اما فعلاً نسبت به برخی از این صندوق‌ها، واکنش تندی نداریم. این صندوق‌ها فرصت دارند که طی این مدت خودشان را تطبیق بدهند. با صندوق‌هایی که تحت پوشش سازمان اقتصاد اسلامی هستند تفاهم کردیم که فعلاً نداشتن لیسانس برای مدیریت آن جزء اولویت‌های ما نیست. اما قطعاً مصوبه شورای پول و اعتبار در آینده‌ای نه چندان دور باید رعایت شود. اما ما فعلاً با مؤسسات بزرگتر در بازار درگیر هستیم.

دکتر ارشدی: برگردیم به این دانه‌درشت‌هایی که بدون مجوز کار می‌کنند. بانک مرکزی با تجربه گذشته و زحماتی که تا امروز کشیده شده است، قانون و آیین‌نامه‌ای را تنظیم نموده و می‌خواهد اجرا نماید و می‌فرمایید

مهلت آن تا پایان آذر ماه است. شما با توجه به تجربه گذشته (به عنوان کسی که سال‌ها در حوزه نظارت تجربه دارد، سال‌ها با این صندوق‌ها سروکار داشته است و محیط را خوب می‌شناسد و حمایت‌های نامرئی از این مؤسسات را می‌شناسد)، آینده این اقدامات را چگونه می‌بینید؟ ضمانت‌های اجرایی را کافی می‌دانید؟ و آیا فکر می‌کنید برنامه‌های شما قابل اجرا است؟

آقای تهرانفر: شکی ندارم که این موضوع قابل اجرا است و هم‌اکنون با استقبالی هم که از طرف تعاونی‌های اعتبار و صندوق‌های قرض‌الحسنه شده است، دیگر حتی ذره‌ای تردید ندارم که ما می‌توانیم این بازار را کنترل کنیم. از زمانی که اعلام شده و با حمایت‌هایی که مراجع مختلف کردند، شاید در آینده نزدیک به تعداد قابل توجهی از این مؤسسات در حضور رسانه‌های عمومی جواز بدهیم. امسال استقبال گسترده بود و خیلی‌ها مراجعه کردند و آنهایی هم که مراجعه نکردند پیام را دریافت کردند. به همان مراجع قدرت یا دست‌های نامرئی مراجعه شده و دیدند که این دفعه با دفعات قبل فرق می‌کند و نمی‌شود در کار وقفه ایجاد کرد. این بار عزم را جزم کرده‌ایم و بانک مرکزی هم باید پاسخگو باشد. دفعه پیش آقایی از یک خبرگزاری از بنده پرسید آیا مجلس در کار شما دخالت می‌کند یا نه؟ جواب دادم که اتفاقاً مجلس سؤال می‌کند، اما می‌گوید شما چرا با شدت بیشتری برخورد نمی‌کنید؟ بنابراین من، به عنوان کسی که مدت‌ها در کار نظارت بوده‌ام و با برآوردی که از بازار دارم، تردیدی ندارم که این دفعه قادر خواهیم بود نظم مورد نظر بازار مالی مناسب را در کشور فراهم کنیم. خیلی از صندوق‌ها و تعاونی‌های اعتباری بزرگ مراجعه کردند و ما با آنها گفتگو کردیم و پذیرفته‌اند که به دامن مقررات برگردند و بعضی از آنها، به دلیل فاصله زیادی که داشتند، پذیرفته‌اند که بعد از حسابرسی‌ای که در کارشان انجام می‌شود، تعطیلی خود را اعلام کنند. لذا من مطمئن هستم که به لطف خدا قادر می‌شویم نظم را به بازار برگردانیم.

دکتر ارشدی: به نظر می‌رسد که این بار بانک مرکزی، عزم خود را جزم کرده است تا این بازار را قانونمند کند. از طرفی از سال ۱۳۸۷، بانک مرکزی سیاست‌های روشنی را در بازار پول دنبال می‌نماید و آنها را در قالب بسته‌های سیاستی بانک مرکزی، به بخش‌های بیرونی و بانک‌ها اعلام می‌کند. از طرف دیگر، با اقداماتی که فرمودید، بازار باید منتظر باشد که نظم خاصی پیدا کند. ولی به نظر می‌رسد که بانک مرکزی تمایلی ندارد در قالب بسته‌ها اعلام عمومی کند. چرا بانک مرکزی علاقه‌ای ندارد که غیرقابل قبول بودن این مؤسسات را در حوزه عمومی بیان نموده و با دستورالعملی به اعلام عموم برساند؟ افراد و سپرده‌گذاران و حجم سپرده‌های آنها عجیب است، ولی بانک مرکزی نمی‌خواهد چنین شیوه برخوردی داشته باشد. چرا؟

آقای تهرانفر: من اجازه می‌خواهم کمی در مورد استرس در محیط بانکی صحبت کنم و علت اینکه چرا ما به این صراحتی که مورد نظر شماست، عمل نمی‌کنیم. خطری که هر بانکی را تهدید می‌کند این است که مردم به دلیل شایعات درست یا نادرست، سپرده‌هایشان را بخواهند. اگر این اتفاق بیفتد جای مدیرعامل در آن بانک نیست و اعضای هیئت مدیره هم نباید مراجعه کنند و هر چقدر هم که مدیریت آن بانک خوب باشد، در عرض ۳ الی ۴ روز، مرگ آن شخصیت حقوقی حتمی است. بنابراین، حساسیت فوق‌العاده بالا است. اگر این مسئله کنترل نشود و برای بانکی این اتفاق بیفتد، مردم دامنه شایعات را گسترش می‌دهند و از گروه بانکی می‌ترسند. همه به بانک‌ها مراجعه می‌کنند و سپرده‌هایشان را می‌خواهند و اگر نشود کنترل کرد، مردم سپرده‌ها را از بانک‌ها خارج می‌کنند و چرخ‌های اقتصاد کشور از حرکت می‌افتند و اغتشاش ایجاد می‌شود.

در مورد صندوق‌های قرض‌الحسنه، چندین بار این اتفاق افتاده است. به عنوان مثال به دلیل ازدحام جمعیتی که می‌خواستند وجوه خود را از دفتر یکی از این صندوق‌ها در اصفهان بگیرند شهر به حالت غیرعادی درآمده

بود. دامنه این امر به صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای که خوب بودند، نیز کشیده شد و یک استرس در صندوق‌های قرض‌الحسنه ایجاد شد که دامنه‌اش به استان‌های همجوار (مثل فارس و همدان) هم رسید. بنابراین، ما در نهایت آرامش و صلابت به این موضوع نگاه می‌کنیم و نمی‌خواهیم هجوم سپرده‌گذاران را تقویت کنیم. بازار به آرامی حرکت می‌کند و ما نمی‌خواهیم اثر منفی در آن بگذاریم و خطری برای این مؤسسات ایجاد کنیم که هجوم به آنها صورت بگیرد. با آرامش و طمأنینه عمل خواهیم کرد، و البته حمایتی هم نمی‌کنیم چون زمانش گذشته است ولی راضی نیستیم با رفتاری که می‌کنیم این شعله را بیش از پیش بالا بکشیم. سرنوشت محتوم است و اگر مراجعه نشود، قطعاً این اتفاق خواهد افتاد. سپرده‌گذاران که توسط بانک مرکزی هوشیار می‌شوند، دیگر این مؤسسات را قبول نمی‌کنند و این، بزرگترین متغیر درونی هست که نظم را برمی‌گرداند و دیگر به نیروهای پلیس احتیاجی نیست. بنابراین با آرامش و پرهیز از دامن زدن به این موج، رفتار می‌کنیم. حتی در بسته سیاستی سال آینده هم، نکات کافی پیش‌بینی شده است که کاری را که شروع کردیم به سرانجام برسانیم و من مطمئن هستم که این کار را به سرانجام خواهیم رساند.

دکتر ارشدی: اگر مؤسسه‌ای مراجعه نکرد، شیوه برخورد بانک مرکزی چگونه است؟

آقای تهرانفر: بستگی دارد که این مؤسسه کجا باشد؟ دامنه فعالیتش چقدر باشد و برخورد شدید ما چه اثراتی در کارش ایجاد می‌کند؟ و چه اثراتی در اقتصاد خودمان خواهد داشت؟

دکتر ارشدی: یعنی اگر مؤسسه‌ای نخواهد قاعده بازی را رعایت کند، از کلیه ابزارهایتان استفاده خواهید کرد؟

آقای تهرانفر: قطعاً این کار را می‌کنیم. همه مراجع هم از ما پیگیری می‌کنند. منتها ما این تدبیر را داریم که حرکت تندی نکنیم ولی با استفاده از ابزارهایی که داریم با همه اینها برخورد خواهیم کرد. مایل نیستیم که این کار را یک روزه انجام دهیم. اما بسترش فراهم است و مطمئن هستم که همه چیز به ترتیب اتفاق می‌افتد.

دکتر ارشدی: جنابعالی فرمودید که زمینه فراهم است؛ آیا فکر می‌کنید که این زمینه همچنان مساعد بماند و اجرای طرح هدفمندکردن یارانه‌ها و استرس ناشی از آن، منجر به کاهش فشار بر این مؤسسات نشود؟ فکر می‌کنید تداوم شرایط مناسب یا بازخورد مثبتی که از شرایط موجود وجود دارد سال آینده هم ادامه پیدا می‌کند؟

آقای تهرانفر: ما این کار را تا انتها می‌بریم و فکر می‌کنم که امسال این کار تمام می‌شود. اما اگر نشود، قسمت اعظم کار (حدود ۹۰ درصد) به پایان می‌رسد و فکر می‌کنم که امسال انجام شود. اگر این چرخ به این سمت بچرخد، توقفی در آن نیست؛ ما آن را مستقل از جریانات دیگر جلو می‌بریم. این چرخ به سمت تمکین و رعایت قوانین و مقررات حرکت کرده است چه بسا نوسانات باعث شود که ما جلوتر برویم و شما می‌بینید که این اتفاق می‌افتد. ابزارهای مناسب، صندوق‌های قرض‌الحسنه سالم، تعاونی‌های اعتبار خوب، شرکت‌های لیزینگی که مردم می‌توانند به آنها اطمینان کنند و یک بازار یکپارچه خواهیم داشت که مردم می‌توانند بدون ترس به آنها مراجعه کنند حتی به صرافی‌ها.

دکتر ارشدی: یعنی شما می‌فرمایید تا پایان سال، ۹۰ درصد این نابسامانی‌های بازار غیرمتشکل از بین می‌رود؟

آقای تهرانفر: بله. ما از چند جبهه به جلو می‌رویم. قبل از این مصاحبه، با مسئولان ارشد وزارت تعاون و بانک مرکزی جلسه داشتیم و مشخص نمودیم که در این زمینه‌ها چه کاری باید انجام شود. آنها هم پذیرفته‌اند. ضمن اینکه به برخی از این مؤسسات مجوز می‌دهیم و تشویق می‌کنیم که وارد شوند، با چند تا از آنها نیز

برخورد می‌کنیم و آنها را می‌بندیم. بعضی‌ها به خاطر فشاری که به آنها وارد خواهد شد، درخواست انحلال اختیاری می‌دهند.

دکتر ارشدی: آیا این ضوابط و مقررات اجرایی، تحت قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی است؟

آقای تهرانفر: بله

دکتر ارشدی: پیشینه آن به قانون ۱۳۸۳ برمی‌گردد؟

آقای تهرانفر: بله. قانون سال ۱۳۸۳ بوده است و یک‌سال هم مهلت بود که آیین‌نامه‌هایش درآید و یک مدت هم فرصت بود که دستورالعمل‌هایش نوشته شود.

دکتر ارشدی: الان دستورالعمل‌ها وآیین نامه‌ها آماده است؟

آقای تهرانفر: بله. همه چیز آماده است و به تأیید مراجع ذی‌ربط نیز رسیده است.

دکتر ارشدی: در آیین‌نامه آمده که نیروهای انتظامی باید برای بستن این مؤسسات، با بانک مرکزی همکاری نمایند. در این صورت تکلیف سپرده‌گذاران و تسهیلات‌گیرندگان چیست؟ وضعیت اینها در این قانون و آیین‌نامه‌ها لحاظ شده است یا نه؟ وضعیت تسویه حساب، اعلام ورشکستگی و انحلال آنها چه می‌شود؟ آیا قوانین و مقرراتش تدوین شده است؟

آقای تهرانفر: بله. ما پیش‌بینی کرده‌ایم که طریقه ورشکستگی چه طور باشد. برای مؤسسه‌ای که مجوز می‌گیرد بعد می‌خواهد انحلال اختیاری کند، چه مراحلی باید طی شود و در صورت ورشکستگی چه کارهایی باید انجام شود. در مورد مؤسساتی که مجوز ندارند، ممکن است این اتفاق به صورت قهری بیفتد و ما پیش‌بینی کرده‌ایم که اگر این اتفاق افتاد، چه کار باید بکنند. از جمله اینکه، اگر مؤسسه‌ای با مشکل مواجه شد و ما خواستیم که نیروهای انتظامی نسبت به تعطیلی آن اقدام کنند، گام بعدی این است که، از یک حسابرس مورد اعتماد، بخواهیم که وارد مؤسسه شود و حساب‌ها را درآورد تا معلوم شود چه کسانی سپرده دارند و چه کسانی بدهکارند؛ که از محل وصول اقساط، سپرده‌های مردم را تأمین کند. اگر لازم باشد برخی از اموال مؤسسه برای پرداخت پول سپرده‌گذاران، به فروش می‌رود؛ حتی بانک مرکزی پیش‌بینی کرده است که اگر لازم بود از منابع خودش، استفاده کند تا بتوانیم از عهده این کار برآییم و به هر حال من خیلی خوشبین هستم.

دکتر ارشدی: در آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، جایگاه قرض‌الحسنه و مؤسسات اعتباری، در همین قالبی که موجود هست تعریف شده است یا اجازه فعالیت یا ارتقا به سایر خدمات به آنها داده شده است؛ آیا برای فعالیت اینها، مرزبندی‌ها مشخص شده است؟ آیا امکان تغییر سطح این مؤسسات وجود دارد؟

آقای تهرانفر: ما طوری تدوین کردیم که چند روش فعالیت، در عرصه پولی و مالی جدید در کشور داریم؛ مثلاً قرض‌الحسنه داریم که ابعادش تعریف شده است. در چهارچوب صندوق قرض‌الحسنه، دیگر مسئولان نمی‌توانند وام نوبتی، جدولی یا چند برابر بدهند. صندوق قرض‌الحسنه، با آسودگی، سپرده قرض‌الحسنه مردم را دریافت می‌کند و بر اساس نیاز مردم، و در یک چهارچوب وام قرض‌الحسنه را پرداخت می‌کند و اگر خواست علاوه بر اینها کاری کند، باید اعلام نماید نمی‌خواهد صندوق قرض‌الحسنه باشد. می‌پرسیم بجز قرض‌الحسنه چه چیزی می‌تواند باشد و اینکه چه امکاناتی برای ترفیع لازم دارد. بنابراین یک صندوق می‌تواند در قالب دیگری کار کند؛ اشکالی ندارد اما باید با دقت باشد. ولی اینکه این صندوق، قرض‌الحسنه باشد ولی کارهایی که ماهیت قرض‌الحسنه ندارد، انجام بدهد؛ امکان‌پذیر نیست.

دکتر ارشدی: یعنی ما برای نهادی به عنوان قرض‌الحسنه جا باز کرده‌ایم و فعالیت قانونی آن را تشویق می‌کنیم. مؤسسات بانکی ما بر اساس قانون یا بسته سیاستی، مجبور هستند که ۱۰۰ درصد سپرده‌های

قرض‌الحسنه را تسهیلات قرض‌الحسنه بدهند. کاری که شاید سالیان قبل نمی‌کردند، ولی بانک‌های دولتی مثل تجارت ۱۰۰درصد و بانک ملی حدود ۹۰ درصد این کار را می‌کنند. این ممکن است یک بازار رقابتی برای مؤسسات قرض‌الحسنه ایجاد کند، که شفافیت، عنصر لازم آن است.

آقای تهرانفر: من این نکته را تأکید کنم که صندوق‌های قرض‌الحسنه قدیمی و سنتی، که نیت آنها خیر بوده است و به قرض‌الحسنه فکر کردند؛ از اتفاقی که در حال وقوع است فوق‌العاده راضی هستند. انتقادی که به ما وارد بوده، این است که وقتی از عنوان قرض‌الحسنه سوء استفاده می‌شود چرا کاری نمی‌کنیم. من باور نمی‌کردم، که اینها خودشان در این جلسات به صندوق‌هایی که کارشان را چیز دیگری قرار دادند انتقاد شدید بکنند. کارهایی که به اسم قرض‌الحسنه انجام می‌شود، در واقع به اسم آن لطمه زده است.

دکتر ارشدی: از شما ممنون هستم که وقت خود را به ما دادید. اگر در پایان نکته‌ای باقی مانده است، خوشحال می‌شویم که بشنویم.

آقای تهرانفر: نکته‌ای که به صورت تخصصی می‌خواهم به آن بپردازم این است که نظارت بانک مرکزی و نظارتی که از طرف حاکمیت بر بانک‌ها صورت می‌گیرد، چند هدف دارد. از بزرگترین اهداف این نظارت، حفظ ثبات و سلامت در بازار پولی و مالی است. به عبارت دیگر، نظم‌دهی به بازاری که تمام بازیگرانش در یک شرایط یکسان با هم بازی می‌کنند و از یک زمینه کاری یکسان برخوردار می‌شوند، آن هم به عنوان یک اصل نظارتی است؛ یعنی من به عنوان مقام ناظر، باید همیشه نگران باشم که این بازار را به نفع یک عده و یا به ضرر عده‌ای دیگر تنظیم نکنم. اینکه مؤسساتی (که تابع هیچ قانونی نیستند) در ابعاد وسیع (تقریباً به اندازه بانک‌ها) در کنار بانک‌ها (با این همه مقررات و محدودیت) باشند با عقل نظارتی سازگاری ندارد. بنابراین یکی از وظایف من و دوستانم در بخش نظارتی، تنظیم این بازار به صورتی است که همه از یک موقعیت برخوردار باشند. این، آن منطقی است که دنبالش هستیم. تمام فعالان این بازار، باید در بازاری کار کنند که برایشان یکسان است (بانک‌های دولتی و غیردولتی و صندوق‌های قرض‌الحسنه و تعاونی‌های اعتبار) همه در یک بازار منظم تحت نظارت باشند و با آرامش و طیب خاطر کارکنند. سپرده‌گذاران با آرامش سپرده‌ها را نزد این مؤسسات بگذارند و متقاضیان تسهیلات هم، نیاز واقعی خود را به بازار بگویند و سعی کنند که تأمین مالی شوند. من بر این نکته تأکید می‌کنم که حفظ این بازار وظیفه ما است و به شکل حرفه‌ای به آن فکر کردیم و به برقراری نظم در بازار خوشبین هستیم.